

# ساخت «سنگ پا» در روستای طلا!

گفت و گو با اهالی روستای «قرلجه کند» که روز و شب شان با صدای تیشه و چکش برای تولید سنگ پا گر خور ده محصولی که مشتری اروپایی دارد

مجید حسین زاده | روزنامه نگار

پرونده

دهه پنجاه، هفتادی ها، خاطرات زیادی از سنگ پا دارند! بزرگ ترها هر وقت آن ها را برای استحمام می بردند، آن قدر با سنگ پا به جان پاهای شان می افتادند که رنگ کف پایشان به سفیدی می رسید و گاهی برق می زد! اما کمتر کسی می داند این سنگ پاها، دقیقا چه هستند؟ کجاها تولید می شوند و ... بیشتر ما سنگ پا را به نام قزوین می شناسیم ولی در غرب ایران یعنی کردستان، روستایی وجود دارد که اقتصادش بر پاشنه این سنگ می چرخد. «قرلجه کند» روستایی در ۳۵ کیلومتری قروه از شهرهای استان کردستان است. روستایی که تقریبا ۲۵۰ خانوار با بیش از هزار نفر جمعیت را در خود جای داده است. خیلی وقت نیست که از شپو که معدنی (که با کمی تغییر تبدیل به سنگ پامی شود) در ساختمان سازی مورد توجه قرار گرفته اما مردم این روستا قبل از آن هم کارشان با پوکه می گذشت. گدازه های سرد آتش فشانی که حالا دیگر خبری از دهانه های داغ و مذاب آن نیست، امانتی را در منابع طبیعی این روستا به زمین گذاشته اند که معدن دارانش سهم بیشتری از آن دارند و مردمی که نام روستایشان در زبان محلی (تُرکی) به معنای «روستای طلا» است، فقط گرد خاک خودروهایی حمل پوکه و لاشه های آن نصب شان می شود تا تیشه بر آن بزنند و سنگ پا تولید کنند، محصولی که به غیر از ایران در کشورهای همجوار و حتی کشورهای اروپایی هم خریدار دارد. در پرونده امروز زندگی سلام با دو نفر از اهالی «قرلجه کند»، درباره این شغل و مردم این روستا گفت و گویی داشتیم که در ادامه خواهید خواند.



عکس: فارس

## هر روز باید برای جمع کردن گدازه های آتش فشانی به معدن برویم

سنگ پا یک نوع سنگ آذرین است که حاصل سرد شدن گدازه های آتش فشانی است. وقتی این سنگ ها از دهانه آتش فشان به بیرون پرت می شوند، از خودشان گازی تولید می کنند که باعث سوراخ سوراخ شدنشان می شود. با استفاده از سنگ پا به دلیل سطح محکمی که دارد، لایه های پوست مرده پاشنه پا را می ساینند. «محمد مهدی عیدی»، ۲۰ ساله، متولد این روستا و از نوجوانی به تولید سنگ پا مشغول است. او درباره ساخت سنگ پا در این روستا می گوید: «هر روز باید به معدن برویم و این سنگ ها را جمع کنیم. مسیر زیادی تا آن جاییست. تقریبا یک ربع بیشتر طول نمی کشد. با بیل، تعدادی از سنگ ها را درون گونی می ریزیم و می آوریم خانه. سپس در خانه، این سنگ ها را تراشیده می شود البته یک عده هم هستند با دستگاه، این سنگ ها را تراش می دهند. آن ها می توانند سنگ ها را به صورت خیلی تمیزتر و مربعی، مستطیلی، بیضی یا هر شکلی که مشتری بخواهد، تراش دهند.»



## کار برد سنگ پا فقط برای استحمام نیست

«الان سنگ پا فقط برای استحمام استفاده نمی شود و کاربردهای دیگری هم دارد». این جوان از اهالی روستای «قرلجه کند» با این مقدمه، می افزاید: «مثلا در کف ساختمان ها از آن استفاده می شود. همچنین از این سنگ ها برای تزئین به خصوص در آبنماها استفاده می شود و مشتری زیادی دارد. همان طور که می دانید استفاده از سنگ پا به قدمت تاریخ است و در زمان قرون وسطی ابتدا در ماسپس در خاور میانه مردم از این سنگ در حمام استفاده می کردند البته شکل استفاده کمی متفاوت بوده است. ابتدا مردم از سنگ پا برای پاک کردن جرم وسایلی استفاده می کردند، بعد وارد صنعت و در نهایت وارد دنیای مد و زیبایی شد. این را هم بگویم که تقریبا همه اهالی روستا، خودشان هم از این سنگ پاها استفاده می کنند و برای استحمام از قدیم، طرفدار داشته است.»

## از نوجوان ۱۴ ساله تا پیرمرد ۸۰ ساله در حال تولید سنگ پا

محمد مهدی یکی از صدها نفر اهالی روستاست که روز شان با جمع آوری پوکه آغاز می شود و با سنگ پا به شب می رسد. او درباره حرفه اصلی اهالی این روستا می گوید: «تقریبا همه اهالی روستا، مشغول این کار هستند یا حداقل چند نفر از اعضای خانواده شان در این حرفه با تجربه و فعال هستند. از نوجوان ۱۴ ساله تا پیرمرد ۸۰ ساله بگرد تا افراد ۷۰ یا ۸۰ ساله در روستا در تراش سنگ پا تبحر خاصی دارند. در این جا، ۷ یا ۸ معدن وجود دارد اما فقط مدل سنگی یکی از آن ها، نرم و قابل تراشیدن و راحت تر برش می خورد.»



است. تراشیدن بقیه سنگ ها، خیلی سخت است. این معدنی که ما الان از آن سنگ جمع می کنیم، سنگ هایش نرم تر است و راحت تر برش می خورد.»

## پیش نیاز های این شغل فقط تیشه و چکش است

«محمد مهدی» از دردست هایشان می گوید که نتیجه این شغل است. او ادامه می دهد: «تنها ابزار مورد نیاز این حرفه، تیشه و چکش است. با چکش این سنگ ها را تکه تکه و سپس با تیشه، آن ها را تمیزتر می کنیم. حتی افرادی که با دستگاه هم کار می کنند، باید از این تیشه و چکش استفاده کنند اما طبیعتا کمتر. برای انجام این کار، باید حتما دستکش دست مان کنیم چون این سنگ ها به قول اهالی این جا، دست انسان را می بزد و پوستش را نابود می کند. جنس این سنگ ها جواری است که باید حتما با دستکش آن را تکه تکه و آماده فروش کرد.»

## جوانان این جادر آرزوی رفتن به تهران هستند



زنی است که تا اواسط بهار ادامه دارد و بنا بر این در این مدت شب نشینی ها و دور همی های خانوادگی جایی در میان اهالی روستا ندارد یعنی روزهایش آن قدر سخت و خسته کننده می گردد که دیگر رمقی برای شب نشینی ندارد.

## تی شرت هایی با نمادهای ایرانی

گفت و گو با جوانی که با کمترین ابزار طراحی یعنی گوشی، یک کسب و کار اینترنتی راه انداخته و هدفش تزریق حس خوب به جامعه است

نجات شکوندی | روزنامه نگار



پرونده

تی شرت هایی با تصاویر پیکان، ژبان، تخت جمشید، شهر رنگ و ... که همه ما خاطرات زیادی از آن ها داریم، یک انتخاب متفاوت و البته جالب به نظر می رسد. در مینی پرونده امروز زندگی سلام به سراغ یک کسب و کار اینترنتی رفتیم که در آن دو جوان با کمترین ابزار طراحی در دسترس یعنی همین گوشی هایی که در دست من و شماست، به طراحی و تولید تی شرت ها و لباس هایی با نشانه ها و نمادهای خاص و ایرانی دست زدند.

### نمی خواهم طرح تی شرت ایرانی ها، نماد خارجی داشته باشد

«مجید همایون ارجمند» متولد ۵ بهمن ۱۳۶۲ و دانش آموز خسته رشته نقاشی و مجسمه سازی است. او که فوق دیپلم حسابداری دارد، از اشتباه خود برای وارد شدن به این رشته به سبب راهنمایی های نادرست یک مشاور تحصیلی می گوید و ادامه می دهد: «من عاشق طراحی لباس بودم اما یک انتخاب اشتباه من را از هفتم دور کرد. در زمان قرنطینه کرونا، کار من هم که راه اندازی کافه و کافی شاپ بود، به هم ریخت و این شد که من بیکار شدم. پس در این زمان بیکاری با خود گفتم باید سر خودم را گرم کنم و چه چیزی بهتر از یادگیری کلاژ؟ چون در شبکه های مجازی مثل اینستاگرام و پینترست به این کار علاقه داشتم اما وقتی به کار هادقت کردم، متوجه شدم بیشتر کار دوستان ایرانی که در این حوزه فعال هستند، حال و هوای خارجی دارد و خبری از نمادها و نشانه های ایرانی نیست. نمی خواهم طرح تی شرت ایرانی ها، نماد خارجی داشته باشد. از آن جا که من لپ تاپ نداشتم، اپلیکیشن های مورد نیاز را با گوشی دانلود و با پشتکار شروع به چیدمان و طراحی کردم. به طوری که به جرئت می توانم بگویم هیچ کدام از کارها با سیستم نیست. در آن زمان من هیچ سر رشته ای از کلاژ و فوتو مونتاژ نداشتم. الان هم بعد از دو سال به این جا که اکنون هستم، رسیدم. البته که سختی کم نداشت اما هدف من بیشتر طراحی و دیده شدن طرح هایم بود که حاصل شد.»

### من اصلا فتوشاپ بلد نیستم

«من هر کاری که انجام می دهم، با گوشی است و شاید باورتان نشود فتوشاپ بلد نیستم». مجید با توضیح این نکته به سراغ جنبه های دیگر کارش می رود و می گوید: «طراحان لباس ایرانی زیادی داریم که بسیار کار با کیفیت و درجه یکی را ارائه می دهند اما متأسفانه مبلغ آن خیلی زیاد است و برای افراد طبقه متوسط به پایین جامعه تهیه آن سخت است. از طرفی هم همیشه دوست داشتم طراحی هایی با نماد و نشانه های ایرانی داشته باشم به خصوص روی تی شرت هایی که بیشتر دارک هستند یا با حروف انگلیسی و نمادهای خارجی تزئین شدند. خلاصه این شد که با خودم گفتم باید در حد خودم سطح پوشش جامعه را یک پله بالا ببرم تا مردم با دیدن یک طرح خاص مثل پیکان که نوسازی هم هست، آن هم با رنگ های شاد برخلاف بیشتر کارهای مشابه که سیاه و سفید هستند یا کیفیت ندارند، به

آن جذب شوند. همچنین ما سعی می کنیم با تلفیق رنگ و نوسازی، روحیه مردم را ارتقا دهیم اما این کار در ایران به این سادگی نیست چرا که ما در این جاتولید پارچه نداریم و به سختی می توانیم پارچه خام پیدا کنیم. از طرفی هم چاپ دیجیتال و رنگ های خارجی آن روز به روز گران می شود. به عنوان مثال فقط چاپ و فرایندش می شود، نزدیک ۱۰۰ هزار تومان. حال شما این روند را در کنار لباس خام، زمان و هزینه و حتی سود من بگذارد، خوب زیاد می شود. می خواهم بگویم به نظرم باید برای فرهنگ سازی در این زمینه کمک شود.»

### این تی شرت ها مشتری آمریکایی و کانادایی دارد

در بخش آخر گفت و گوی مان، این جوان خوش ذوق از اهداف و رویاهای آینده اش می گوید: «زمان شروع این کار، درآمد خاصی نداشتم اما وقتی به دیده تجاری به آن نگاه کردم، شرایط فرق کرد و پیشرفت کر دیم تا به مر حله ای رسیدیم که من ۲۰ تا ۳۰ عدد تی شرت در روز می فروختم. مثلا این کار آن قدر خوب پیش رفت که من قبل از عید امسال برای طراحی های مختلف از شال گرفته تا تی شرت، خیلی سرم شلوع شد که خدارا شکر همه کارها به فروش رفت. به خصوص طرح اتوبوس قرمز و طبقه لاله از توپخانه که بسیار پرفروش شد. اما برای آینده علاقه دارم این مجموعه را یک برند ایرانی کنم. دیگر نمی خواهم از طرح های قدیمی ایرانی که همیشه استفاده شده است مثل بته جقه استفاده کنم. به دنبال طرح های جدید و خاص هستم. الان کارهای من به آمریکا و کانادا هم رسیده و حتی مورد پسند چند آر ت شاپ خارجی هم قرار گرفته است به طوری که سفارش هم گرفتیم البته در همه این مراحل من تنها نبودم و خانم «آزاده محمدی» هم در طراحی و هم در ارائه ایده و نماد در کنار من بودند اما بیشتر تمرکز ایشان روی سرمایه گذاری و تمرکز من بر اجرای کارهاست. در کل اگر بخواهم تمام این فرایندها را با نتیجه گیری بیان کنم این است که در دو سال گذشته که خیلی از دوستان و همسن و سال های من به دلیل شرایط ناسامان اقتصادی، ناامید شدند، قصد ندارم کلیشه ای یا با جنبه نصیحت صحبت کنم اما به همه دوستانم توصیه می کنم که پیگیر کاری که می کنید، باشید می دانم شرایط سخت است اما پیگیر باشید و ناامید نشوید تا به موفقیت برسید.»



## خطر حمله گرگ ها و آب آلوده از مشکلات روستای ماست

«تقریبا همه اهالی روستا، این روزها در حیاط خانه هایشان مشغول ساخت سنگ پا هستند. در زمستان هم یک سری جاهای سرپوشیده در ست می کنیم که بتوانیم کار کنیم». یکی از اهالی با این مقدمه می افزاید: «یکی از خطرات این شغل که کمتر به آن اشاره می شود، مربوط به مسیر معدن است که باید برویم و سنگ ها را بیاوریم. بارها پیش آمده که در همین مسیر، گرگ به اهالی حمله کرده است و آن ها مصدوم شدند. گاهی هم ریزش کوه اتفاق می افتد که آن هم خیلی خطرناک است و آدم می ماند زیر آن و صدایش هم به جایی نمی رسد. یکی دیگر از مشکلات قدیمی روستای ما، نداشتن آب آشامیدنی بود که از چند وقت پیش که آب را به این جابمپاژ کردند، حل شده اما الان، معضل اصلی آلوده بودن آب است که آن هم به دلیل احداث یک معدن طلا در این روستاست که امیدواریم زودتر مسئولان فکری به حال این مسئله هم بکنند.»

## این شغل می تواند تا ۲۰ سال آینده ادامه داشته باشد

آقای عیدی با این مقدمه که روستای «قرلجه کند» قطب تولید سنگ پای ایران است، می گوید: «می خواهم به شما بگویم اگر این شغل در روستای ما نیمه صنعتی شود، هم جوانان ماندگار می شوند و هم با برند سازی آن می شود دروازه صادرات را به روی سنگ پا گشود. احتمالا می دانید که تنها یکی از معادن این جا، ۶۰۰ هکتار است و به نظرم تا ۲۰ سال آینده هم می شود از آن سنگ پا استخراج کرد به شرطی که جوانان روستا همین جا بمانند و با مدیریت مسئولان بتوانیم فروش را به صرفه و بیشتر کنیم. طبیعتا اگر جوان این روستا از لحاظ مالی تامین شود، همین جا می ماند و می تواند برای آرزوی به کشور هم خدمت کند.»